

آگهی

از طرف اداره کل شهرانی

منتشره راجع به ثبت و شماره گذاری وسائط نقلیه موتور
۰ برای اجراء آن تا ۱۵ آبان ماه جلوی سپین وقت شده بود
از مقام نخست وزیری مدت آن تا آخر آبان ماه ۱۳۲۱
بن ساجیان وسائط نقلیه موتوری که تاکنون موفق به تهیه
ثبت تا قبل از اقصای مدت مهینه (تا آخر آبان ماه ۱۳۲۱)
مرکز پایین آزمایش واقع در خیابان شله رضا و در شهرستان
مشهد - رشت - تبریز - شیراز - اصفهان - اهواز
- ساری - همدان - که مجاز بشماره گذاری می باشد
تا ۲۲ مهری مهینه در صورت مسامحه پس از اقصای مدت
مست و یا متعلقین طبق مقررات مربوطه عمل خواهد شد
۱۱ ۳-۲ اداره کل شهرانی

۲۱۸۸۱-۱

کلاس شش ۳۰-۶۰

آگهی مزایده

باجایه پلاک ۱۶۴۶ واقع در پشت سه پادشاه خیابان ۴م
راجاه و صبی و غیره و سی هم نیست ملکی مرحوم باغدادیان
۳ قانون اصلاحی ثبت برای استیفاء طلب آقای صفر پیک زاده
۱۳۲۱ ساعت نو قبل از ظهر در اجرای ثبت آباءان
طالبین می تواند در روز مقرر در محل تعیین شده حاضر و در
مزایده از مبلغ ۱۸۱۷ ریال تن سامه و خسارت دربر کرد
وائی و مزایه مزایده و مالیات حراج شروع میگردد (مالیات
بیشتر از قیمت مزایده خواهد بود)

رف ۲۰ روز مه نوبت منتشر خواهد شد

آگهی نوبت اول ۲۰ آبان ماه ۱۳۲۱

ولیس ثبت آبادان و غرضش - روح اشک

آگهی

در جلسه ۲۰ آبان ماه ۱۳۲۱ بنایشتاد وزارت بازرگانی
اموریه که اقل مرد روزانه کارگران کارخانه های متعددی
لازم خوراک روزانه و سایر مایحتاج اصلی هر کارگر را تأمین
نمی کند و به شرح زیر تعیین می شود:

از حاجات و پسته کی و پسته کی بطوریکه از طرف وزارت
ت تعیین میشود مطابق تعرفه شصت

بر کارخانجات مادی و پسته وزارت بازرگانی و پسته و هنر تعرفه
کرده است که اقل مرد روزانه هر کارگر در برابر میزان مرد
۳۲ خواهد بود

کارخانجات مختلفه حواله اولیه زده کی را از ان یا برنج
بسته کارگران برای تین زده کی خود تاگزیر است بطور
انه آفرانیه که (و نه و جای و سوخت و پوشاک بهر نوعی
برخیزای تا پیش مردابهای معلول از خوراک سال ۱۳۲۰
بروشت - سنا اداره اقتصادی محل مکلف است که کوپتهای
تا و بهر کارگران هر کارخانه توسط کارخانه ها تعویذ دهد
کوپتهای را در بران دارد

انه در مورد مردم کارخانجات کشور اهم از معلول و غیر معلول

وزارت دارایی

آگهی

بمورد بازرگانی و اجاره مر قبیل معاملات مجاز شرکتی دواوز
عبدالرسول پاسبانی و شرکه از تاریخ ۱۵ آبان ماه یکصد و دو
صد و پستاد با سرمایه شصت هزار ریال که تمام نقد است
در شرکت آقای عبدالرسول پاسبانی و پسرهای است و کلیه اسناد
بانکی و غیره به نامی هر یک از سه شرکه (عبدالرسول
بن مرموری و اسمعیل مدینی) بشماره داری اعتبار است
تاریخ ۱۳۱۸/۲۳ در دفتر ثبت شرکتی دایلی اهواز زیر
بند

و پس ثبت استان ششم - شاپوری

آگهی تمدید مناقصه

ی و پسته و ضرورت آگهی مناقصه ۱۹۵۵/۳۱۹۵۵/۱۲۱۷۲۱
تت الوار جنگلی ۳ منری و هشت تن ۴ منری مورد نیاز
تاریخ ۱۹۹۱/۱۱ تمدید می نماید

ساعت ۱۱ صبح روز ۱۲/۱۹۹۱/۱۲ دوازه سیه اری کارخانهای
خواهده خواهد شد

۱-۲-۱ ش ۱۲۴۰

وزیر بازرگانی و پسته و هنر

آگهی

روز چه باید کرد؟ از تیریل وارد شد این کتابچه که برای
یوست به مقدمه و برنامه چیست آزاد کانت و نورشی از
کسری پوپ و سیده و پوخته آن با یکصد و هشتاد و هشت
پران وارد شد خواستاران در تهران از اداره روزنامه پرچم در
هم خریداری نمایند بهای یک جلد ۲۵۰ ریال برای شهرستانها

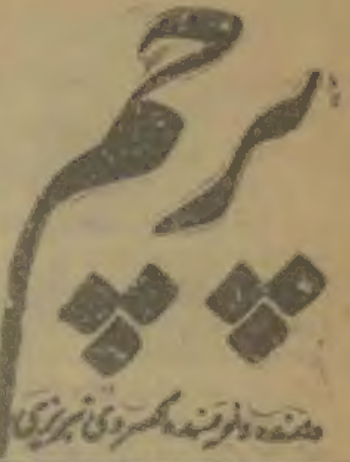
خاصی

نقشه زمین متصل
او نوع جبه پلاک
راضی چشبه آباد
میل و شل از پلاک
مصلحتی آبادی
است بمن نامه
لذا بر حسب تقاضای کتبی ایشان
میل و شل متصل
۴۰۰ میل از پلاک این طری در محل شروع و
پس خواهد آمد
پس و سوله پلاک و مجاورت آگهی
می شود که در روز وساعت مقرر در محل
مقرر می باشد
ش ۱۲۴۸

تاریخ انتشار ۳۰ و ۸ و ۶

ولیس پستی غرب پست املات اهواز

کتابخانه



مرحوم

چرا دانا دروغ پردازد

باباخواند دروغ عمر خود را تباه سازد

این شگفتی که اگر کسی از

عادت ناپسند بواجات او بگریزد و درازد

تعبیر ما در آن داده بشکل دماغش در

می آورد چنانکه بسیاری از داستانهای

تاریخی را با احتمال انداخته اند این کار

از بکسری بسیار بفرده و از سوی

دیگر بسیار زبان آور است و خود بیان

می داند که کسی دیده بی و بی و بی و

خود را چگونه دیده بپای آن بنگارد

با پای دوست و توانای خود را بریده پای

از چوب بهایش بر بندد به پادشاه

که کسی باقی خریده در خنای جز و

باور آن را بر انداخته چهرهای خسته

در عرض آنها بنشیند و در میان گلهای

شاداب و خندان را نه پندیده و آنها

را پایمال کرده گلهای کاهلی بپسای

آنها درجند

در حادثهای که روی داده من

کسی تلاش میکند که چگونگی آنرا در

به درست تر نیست یاورد و به بنگران

هم درست تر باز گرداند تنها آفرین

نویس است که اگر هم چگونگی درست

حادثهای بدست افتاد یا سلیقه کج خود

آن را تبیین داند و منت مشت دروغ

پسندت در آمیخته بدست خواهد گان

می دهد

آخرین کار برای چیست برای چیست که

آقای رمان نگار راست به داستانهای

دوست داشته باور آنرا می گویا

لغت بنگارستان در راست برون است

چگونه است که بنگارستان و نویس و

و لغت خوان از چگونگی راست به

حادثهای لغت پرده کج شده است و

بر می گردند

خوب آقای رمان نویس این تاریخ

و افسانه را که تو بهم در آمیخته ای

خوانده از کجا بداند راست کدام است

و دروغ و دروغ و دروغ و دروغ و دروغ

که راست و دروغ و دروغ و دروغ و دروغ

و همه را در یکجا یاد خود بسیار

باور آنرا با صاف تو اگر چنین کاری

روایت پس از به زحمت که در تازه

شناختن تاریخ کشیده میشود برای

چیست چرا در هر کجا دروغ پردازان

را از جانی تو در پشت میزی نشاند که

تاریخ برای مردم بپردازد و کار و کار

و آسان سازد

آیا اینست پستی جهان نیست که روز

و روز و روز و روز و روز و روز و روز

دوره های از پندار خود بر آنها می

آفریند و این کار خود می باشد که

هم بر آفتاب ابرار نمی گرد بلکه آن

نگارهای ایشان را هر کسی خوانده

هر خود نایه بسیار ۱۱ پستی پدر از

این چه باشد و باقی و بهیتری بیشتر

از این چه باشد

درینا که نولستی که درونهای

ایشان شایه مردی ازاد و راست نیز آورده

این باور اگر کرده و جزیی از مرد

مهر که مرد آورده داشته بود هم

بیش از به و تا گلو در اینست لایزال

خود رفته به خاطر منتهای هم غریب رمان

نویس ازاد را آورده و دانش و خرد

خود را فدای نادانی اروپایان ساخته اند

کتابهای خسته جزیی از دماغ

و سلسله مورخین اسلام و گفت و

به آنها ساخته را با تاریخ درهم آمیخته

خود سگی بر اسلام و شکی بر دین

هری است مرا حیرت خیزگر که این

مرد چگونه شبهای دراز را بیدار مانده

و در خود را گذاشته داستانهای تاریخی

را از کتابها در آورده و بهر کدام دروغ

وضع کشاورزی استان نهم

بطوریکه از وزارت کشاورزی

اطلاع میدهد در استان نهم در سه ماه

تیر و مرداد و شهریور بارندگی شده

وای محصول در نتیجه بارندگیهای وائی

فروردین و اردی بهشت خوب بوده است

در اراضی بیه کاری بهشتی کاشیر

درم - تربت جام - بیرجند - نیشابور

و سبزوار با آفت شده کار دریا

و نبار هیکونی و در اراضی جند کازی

اطراف مشهد جام - میان ولایت و جاب

فریمان چنانکه رخ با آفت کار در بنا و

فر کاشیر - سبزوار - گناباد - تربت جام

در جز و مشهد با طبع بوسی و آب و آبی

و مرا کش و در دوش - شیروان - بیرجند

کاشیر سبزوار و اطراف مشهد با سن

با موقعیت مباره شده است برای کاشت

بازره و زراعت بهشتی به شوا و بار

صوبی کش میکنند افسانهات مقدسی حمل

آمده و میزان اراضی کاشت بازره و سبت

پس از بهشت و سبت و سبت و سبت و سبت

اقرایش یافته است

هائی از پندار خود می افزوده و چگونه

داشت و خرد و خرد و خرد و خرد و خرد

چگونه از دشتی این کار خود را دوشی

یافته است

این شگفتی که این مرد مرمی مری

بگناه خود را بهیستم گوید و اینست

ما تاریخ و افسانه را بهم می آمیزیم و

خوانندگان را خوانده داست که تاریخ کدام

است و افسانه کدام و در نهایت خواهد بود که

ایشان بنگارستان تاریخی را بهیستم و کار

آنها راست و دروغ و مان ما را از هم باز

شاست

چه قدر بهیستم که خوانندگان رمان از دشتی

یکی آن جرعه و مجال را ندارد سکه

باز بهیستم و از آنرا خوانده و دروغ

حالی شمار از رمانان باز شاست و مانا

که کسی به تاریخ پرداخته آن دروغها

را از راست جدا کرده آنها بهیستم که از

آن دروغها در دلها ایشان جا کرده و

بمانی هم خواهد شد چه چاره خواهند

کرد

آیا این کار منتهای آن نیست که

مردی خوراک های زبان آور و پزیران

شود و در آنرا آن را و بهیستم و بهیستم

کرده و در آنرا آن را و بهیستم و بهیستم

از و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

بیکر تا چاره و بهیستم و بهیستم و بهیستم

اگر مردی چنین کاری کرد و در آنرا

خود را و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

دروغ می شاست

راستی اینست که در زمان و بهیستم و بهیستم

نادانی یا می خود که چون کسی ایراد

نمیگیرد و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

بلکه هر چه مردم گرفتار آن میگردند و

چه باستانها و آنچه آورده آن نادانی میشود

تا سگهای سگهای خودی خود از آن بهیستم

با پاکردی بنگرین ربه آن بریزد و

بر این گفته متالابی فرادان از تاریخ واری

که از چه یکی را در اینجا یا بهیستم و بهیستم

داستان منجانب یا بهیستم و بهیستم و بهیستم

و شماره ضار و را بهیستم و بهیستم و بهیستم

میدانیم که از داوود کفر کفر آستان

نی بر چگونگی حوادث و بهیستم و بهیستم و بهیستم

و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

و سازه بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

هائی بر این لایه چنانکه با سواد و بهیستم و بهیستم

برده و پیش از وقوع غیر می داند

کسانی اگر امروز علم نجوم را در

کتابهای که بهر زبان فراوان است

خواند با از شانی که آگاهی از آن

علم دارند بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

هر که بنیاد دارد آن علم است و بهیستم و بهیستم

در شگفت خواهند بود که چگونه کسی

با درختن حوش و دانش آن را با بهیستم و بهیستم

و نام علم بیرون آن گزیده اند و بهیستم و بهیستم

آن پای بندی میشود

ملا منجم نوازه مرچ معروف را که

صورتی است بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

کرده مشهور و یکی از آنها کتاب

و دیگر و از این چار و بهیستم و بهیستم و بهیستم

قسمت نموده هر یک با در بر آرخا یکی

از آن متالابی نامه و بهیستم و بهیستم و بهیستم

از دست نداده می گوید چون اسد خانه

آفتاب و دلو خاک زل است و بهیستم و بهیستم و بهیستم

خانه هدیه در برابر یکدیگر بنام اند

راه چاره و چه چیز دیک بایست

که بایان برسد

کسانی می گویند این راهیکه شایه پیش گرفته اند سالیانه خواهد بود
برسد می گویند شایه چه چیز را می گویند ۱۱ اینکه یک کسی مدتی دوست
و تکی و بشماره و از کرامتها بیرون آید و از کانی پاکدانه پیش گیرد یک شایه
بزرگ برای اوست که باید بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
که شایه چنانکه شایه دیگری باز است و خود را زیاد می گویند ۰ از آنست
راه و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
از آن نادانها و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

این گفته شایه بدان می ماند که کسی در دزدانگه و بهیستم و بهیستم و بهیستم
دایم شده بود و چون و تکی او ناداری دانه می گفت دمن بیکرهای دارم که شایه
و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
آن (مدتی سرتاز و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
نگوشتم خواهد ماند پس چگونه بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
بیکرهای پیدا کن که احتیاج بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
من بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

باین کسان هم باید کرد و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
دیگری در میان نیست و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
آلوده گیاه را از خود و از دیگران دور گردانید

از آنست این راه چرا در است ۱۱ شایه بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
بندار و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
می گویند چنانکه بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
و این شایه ها بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

ما یک سرمایه میباید داریم که صانع بیوزی نیست ما بیکرهای و
برای جهان بپشتاید می گویند شخصی را می گویند که دانشمند و کم دانش بهیستم
و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
دارد این را خواهد پذیرفت و هاداری و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
نوشته های خود بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
بیکرد و پس از این هم خواهد شد

با چنین داندوشی چرا از بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
سازیم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
من بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
خود بیاموزد و از اینکه یک شایه با دو شب عشق و دلنکی خواهد بود یا یک
شایه خواهد بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
به نتیجه برسد گویا میباید در شگفتی از آنست و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
دهد و یا یک (دانه ای) رخ دانه آستان را از هر رخی آورده گرداند

اینست می گویند بیکرهای چه دور و چه نزدیک و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
می رسد شایه این تا نکوشید نتیجه ای نخواهد برد و از دزدانگه و از دزدانگه و از دزدانگه
کترین سودی نخواهد بود

شایه بیکرهای یا باین شوازی و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
باین بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
از شوازی و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
را دور رانید و راستی را در دانه جایگزین گردانید و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
پس زل و آفتاب با هم دشتی دارند بان
دلیل که شایه ای آنها زور و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
نموده است و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم

با از یار کرده چون آفتاب بر دگر و
دوخته و از دزدانگه است آفتاب و دزدانگه
اگر بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
با از دزدانگه می خواهد و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
که از در اسفراع طالع کسی چنه از
بشایه میباید بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
سازمانی که در علم نجوم اشکالی
بر این راست بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
که خود و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
بود باز دزد و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
از و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
علمی که با بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم و بهیستم
سرمایه بوده قربا جهان را گسترش
کرده و بهیستم و بهیستم

